

الهیات مسیحی (درس ۲۲)

مبحث نجات شناسی (۱)

هدف، طرح و روش خدا برای نجات انسان

مقدمه

با توجه به اینکه نجات انسان از لحاظ روحانی کار بسیار مهمی است، طبیعتاً خدا، هدف، طرح و روش مشخصی در این مورد در نظر دارد. ما امروز در اولین طرح از مبحث نجات شناسی در الهیات مسیحی، سه مقوله را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

پس اجازه بدید، ابتدا به رئوس مطالب امروز بپردازیم.

رئوس مطالب

مطالعه امروز در سه بخش انجام خواهد شد که تحت این عناوین هستند.

در بخش اول که عنوانش، هدف خدا برای نجات انسان است، ابتدا به موضوع هدف خدا در ذات انسان و بعد از آن، به هدف خدا در کتاب مقدس، میپردازیم.

در بخش دوم که عنوان آن، طرح یا نقشه خدا برای نجات انسان نام دارد به بررسی دو موضوع خواهیم پرداخت که تحت این عناوین هستند.

- مکشوف شدن طرح یا نقشه خدا برای نجات انسان

- کلیات طرح خدا

در بخش سوم که عنوانش، روش های خدا برای نجات انسان هست، به مطالعه سه موضوع میپردازیم که تحت این عناوین هستند.

- روش خدا در دوره عهدعتیق برای نجات انسان

- روش خدا در عصر حاضر برای نجات انسان

و در نهایت - روش خدا در دوره هزارساله برای نجات انسان،

پس توجه شما رو به مطالعه اولین بخش امروز یعنی هدف خدا برای نجات انسان جلب میکنم.

بخش اول - هدف خدا برای نجات انسان

از آنجائیکه خدا دانای مطلق هست، قبل از خلقت انسان میدانست که او در گناه سقوط خواهد کرد و ذاتش کاملاً تباه میشود. با اینحال خدا انسان را برای هدفی که داشت یعنی جلالش، خلق کرد و پیش از بنیاد عالم راه نجات را برای او مهیا نمود، و ایمانداران به مسیح را برگزید تا در حضورش، در محبت، مقدس و بی عیب باشند.

و این همان مطلبی است که پولس رسول آنرا دعوت خدا میخواند و به کلیسای افسسیان در این رابطه چنین میفرماید:

افسسيان ۱:۴ لهذا من كه در خداوند اسير مي‌باشم، از شما استعدا دارم كه به شايستگي آن دعوتي كه به آن خوانده شده‌ايد، رفتار كنيد،

براي درك بهتر هدف الهی برای نجات انسان، ابتدا هدف خدا را در ذات انسان مورد بررسی قرار ميدهيم.

الف - هدف خدا در ذات انسان

سقوط انسان باعث شد تا معصوميت و قدوسيت اوليه انسان از بين برود ولي شناخت روحاني يا شناخت خدا در او كاملا از بين نرفت. شايد پيرسيد كه منظور از شناخت خدا چيست؟ پس در اینجا به مطالعه شناخت خدا در انسان ميپردازيم.

۱- شناخت خدا

در تمام انسانها شناخت يك نوع خدا يا خدايان وجود دارد. هر چند ممكن است اين شناخت در افراد متفاوت باشد ولي، هر كس در مورد خدا اعتقادي دارد. حتي كساني كه ادعا مي كنند ملحد هستند، در تمام شرايط به اعتقاد خود پاي بند نيستند. كتاب مقدس اعلام مي كنه كه انسان از مطالعه طبيعت مي تواند به وجود خدا پي ببرد.

روميان ۲۰:۱ انسان از ابتدا، آسمان و زمين و چيزهايي را كه خدا آفريده، ديده است و با ديدن آنها مي تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او كه ناديدنی هستند پي ببرد. (ترجمه تفسيري)

خدا اين فرصت را به انسان داد تا در مورد او شناختي داشته باشد و اين امر هدف خدا را در مورد نجات نشان مي دهد.

اين مسئله ما رو به موضوع بعدی يعني آگاهی از گناه مربوط ميکند.

۲- آگاهی از گناه

شناختن گناه مانند شناختن خدا جنبه ابي همگاني دارد كلام خدا در اين رابطه ميفرمايد:

روميان ۳:۲۱ با اينكه مي دانند خدا براي چنين اعمالی، مجازات مرگ تعيين کرده است، نه فقط خودشان مرتكب آنها مي گردند، بلكه ديگران را نيز به انجام اين كارها تشويق مي كنند! (ترجمه تفسيري)

بعبارتی ميشه گفت كه حتي افرادی كه منكر وجود خدا هستند، وجود شرارت و گناه در دنيا رو تأييد ميکنند. حتي كساني كه ادعای نيكوبي دارند و نيازی به نجات دهنده نمی بينند، نيز هيچگاه به بيگناهی خود اعتراف نميکنند. ممكن است عقیده بت پرستان در مورد گناه با تعريف آن در كتاب مقدس يکي نباشد، ولي با اين حال، آنها مي دانند كه بعضی از كارهايشان باعث ناراحتي خدايي مي شود كه مي پرستند.

علاوه بر اين، حتي آنهاييکه كه به اصول اخلاقی توجهی ندارند، و يا معيار قضاوتهاي آنها در سطحی خيلي پايين تر از كتاب مقدس قرار دارد، كماكان از نوعی حساسيت اخلاقی برخوردارند.

پس تا اینجا دیدیم كه هدف خدا در انسان اين است كه انسان اول به وجود خدا و بعد به گناه كار بودن خود پي ببرد.

حال پس از بررسی هدف خدا در ذات انسان، به مطالعه هدف خدا در كتاب مقدس ميپردازيم.

ب- هدف خدا در کتاب مقدس

از آنجائیکه برای ما مسیحیان، عهد جدید تفسیر و تکمیل کننده عهد عتیق هست، بنابراین، برای شناخت هدف خدا، به عهد عتیق رجوع می کنیم و آنرا از طریق بررسی هدف خدا در شریعت و همچنین بررسی هدف خدا در انبیا انجام میدهیم.

نکته ای که در اینجا حائز اهمیت است اینست که پیام انجیل در اولین کتاب عهد عتیق، یعنی پیدایش آغاز می گردد.

زمانیکه خدا به مجازات مار (شیطان) بخاطر فریب دادن انسان، اشاره میکرد در پیدایش ۳: ۱۴-۱۵ او چنین فرمود:

پیدایش ۳: ۱۴-۱۵ پس خداوند به مار فرمود: «بسیب انجام این کار، از تمام حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعونتر خواهی بود. تا زنده ای روی شکمت خواهی خزید و خاک خواهی خورد. بین تو و زن، و نیز بین نسل تو و نسل زن، خصومت می گذارم. نسل زن سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.» (ترجمه تفسیری)

پس از این آیات در عهد عتیق، به تدریج شاهدیم که تمام مراحل طرح خدا یا انجیل در عهد عتیق از طریق شریعت و انبیا شرح داده میشود. که ابتدا به بررسی هدف خدا در شریعت برای نجات انسان میپردازیم.

۱- بررسی هدف خدا در شریعت

منظور ما از شریعت، قوانین موسی که در کتب پنج گانه تورات موسی، یعنی پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه، ثبت شده اند، هست.

در تاریخ قوم یهود شاهدیم که خدا خود را بر این قوم ظاهر کرد و قوانین خود را تحت عنوان شریعت برای اطاعت از آن، به آنها داد. این شریعت خدا شامل سه هدف اصلی برای نجات انسان بود.

اولاً اینکه، هدف خدا در ظاهر شدن به موسی و در اردوی قوم اسرائیل و انجام تمام معجزات در مصر و در دوره مسافرت قوم در بیابان، این بود که ایمان به خدای زنده تأیید و تقویت شود.

نکته دوم اینکه، هدف خدا در اعلام مجازات ها بدلیل نافرمانی قوم و انتظار رهایی آنها از نتایج کشیدن قوم برای خدا جهت رهایی باعث میشد که مردم احساس گناه کنند.

هدف خدا در اعلام مجازات ها بدلیل نافرمانی قوم این بود، که قوم، در زمان انتظار رهایی از مجازاتهای خدا، احساس گناه کرده و به سوی او بازگشت کنند.

کلام خدا در این رابطه میفرماید که هدف از شریعت شناخت گناه است.

رومیان ۳: ۲۰ کار شریعت این است که انسان گناه را بشناسد. (ترجمه مؤده)

همچنین در غلاطیان میخوانیم که:

غلاطیان ۳: ۲۴ احکام الهی همچون دایه ای بود که از ما مراقبت می کرد تا زمانی که مسیح بیاید و ما را از راه

ایمان، مقبول خدا سازد. (ترجمه تفسیری)

سومين نکته از هدف خدا در شريعت اينكه خدا هدفش در تعيين مراسم قرباني و انتخاب كاهنان براي اجرائ آنها، اين بود، به انسان بفهماند كه او به بخشش گناهان احتياج دارد، و همه اينها نشاندهنده تدابير از پيش انديشيده خدا براي نجات انسان بود.

خوب اين بود هدف خدا در شريعت، حالا، بياييد هدف خدا را در انبيا بررسي كنيم.

۲- بررسي هدف خدا در انبيا

انبيا در واقع وسيله اي بودند كه از طريق آنها هدف و نقشه نهران خدا به مردم آشكار ميشد. بعنوان مثال آمدن مسيح توسط انبيا به روشني پيشگويي شد و در كتب مقدسه هم ثبت گرديد. بسياري از اين نبوت ها جزئي از نقشه نجات و رستگاري انسان محسوب ميشوند. از آنجائيكه رنجهاي مسيح ارتباط مستقيم با آمرزش گناهان ما دارد به تعدادي از نبوتهايي كه در اين رابطه هستند، اشاره ميكنم.

نبوت هاي مربوط به رنج هاي مسيح در عهدعتيق:

- ۱- سر شيطان يا مار را بكوبد (پيدايش ۱۵:۳)
- ۲- بي ديني را از يعقوب بر دارد (روميان ۱۱: ۲۶ و ۲۷) مقايسه شود با اشعيا ۵۹:۲۰)
- ۳- گناهان بسياري را بر خود بگيرد (اشعيا ۵۳:۱۲) و براي انجام اين كار لازم بود
- ۴- جان خود را قرباني گناه سازد
- ۵- جان خود را به مرگ تسليم سازد
- ۶- از خطاكاران محسوب شود (اشعيا ۵۳: ۱۰ و ۱۲).

مصلوب شدن مسيح به وضوح در مزمور ۲۲ داود نشان داده شده است.

مكاشفه الهی در عهد عتيق در نمونه های زیادی نشان داده شده بعنوان مثال:

آدم (روميان ۵: ۱۲ - ۲۱)

ملكیصدق (عبرانيان ۷: ۱-۳)

يوشع (تثنيه ۱۸: ۱۸ اعمال ۳: ۲۲ و ۲۳)

و همچنين حوادثي نظير آن:

واقعه مار برنجين (اعمال : ۲۲:۳)

كاهنان (عبرانيان ۱:۳)

و پادشاهان (زكريا ۹: ۹)

و همچنين مراسمي مانند سوزانيدن بخور (مكاشفه ۳: ۸)

و پرده هيكل (عبرانيان ۱۰:۲۰)

پولس رسول در رابطه به آشکار شدن سر اراده خدا در افسسیان ۹:۱-۱۰ چنین میگوید:

افسسیان ۱: ۹ و ۱۰ خدا نقشه نهان خود را بر ما آشکار ساخت، نقشه ای که در اثر لطف خود، از زمانهای دور طرح کرده بود؛ او نقشه خود را آشکار ساخت تا ما نیز بدانیم که او به چه منظور مسیح را به جهان فرستاد. قصد خدا این بود که وقتی زمان معین فرا برسد، همه ما را در هر جا که باشیم، چه در آسمان و چه بر زمین، با هم در مسیح گرد آورد تا همواره با خدا بسر ببریم. (ترجمه تفسیری)

همچنین پولس در مورد آشکار شدن نقشه نهان خدا در مورد عیسی مسیح چنین می گوید:

افسسیان ۱۱:۳ و این درست همان نقشه ای است که خدا از ابتدا در نظر داشت تا بوسیله عیسی مسیح عملی سازد. (ترجمه تفسیری)

خوب در اینجا به بخش دوم از مطالعه امروز می‌رسیم که عنوانش "طرح یا نقشه خدا برای نجات انسان" هست.

بخش دوم – طرح یا نقشه خدا برای نجات انسان

همانطور که خدا در طبیعت با نظم و ترتیب کار می کند، در مورد نجات انسان هم دارای طرح ایی منظم می باشد. کتاب مقدس نشان می دهد که خدا برای نجات انسان طرح مشخصی دارد. این طرح شامل این موضوعات هستند:

- وسایل آماده ساختن نجات انسان

- هدفهایی که باید برای نجات انسان انجام شوند

- کسانی که از نجات بهره مند خواهند شد

- شرایط دریافت نجات و طریق انجام آن

این نکته را باید اضافه کنم که خدا برای تمام مردم، اعم از خوب یا بد، با سواد و بی سواد، یهودی و غیر یهودی، و اعم از کسانی که در عهد عتیق زندگی می کردند یا کسانی که در عصر ما هستند، فقط یک طرح و یک راه نجات در نظر دارد.

حال اجازه بدید تا به بررسی موضوع مکشوف شدن طرح یا نقشه خدا برای نجات انسان بپردازیم.

الف – مکشوف شدن طرح یا نقشه خدا برای نجات انسان

اگر بخواهیم طرح یا نقشه نجات خدا را برای انسان درک کنیم، باید تمام کتاب مقدس را مطالعه کرده یک نتیجه جامع از آن اتخاذ کنیم. عبارتی یک بخش یا یک آیه از کلام خدا نمیتواند تمام نقشه خدا را برای نجات انسان مکشوف کند.

مثلا ممکن است شخصی این فرمایش عیسی به حاکم یهودی را در نظر بگیرد که فرمود: اگر بخواهی داخل حیات شوی احکام را نگاه دار (متی ۱۷: ۱۹) و تصور کند که شخص می تواند به وسیله اعمال نیکو، خودش را نجات دهد. در صورتیکه این نتیجه گیری کاملا مخالف مفهوم کلی و اصلی کتاب مقدس است.

حال به مطالعه کلیات طرح خدا برای نجات انسان می‌پردازیم.

ب- کلیات طرح خدا برای نجات انسان

در طرح خدا چند موضوع مهم وجود دارد. کتاب مقدس تعلیم می دهد که خدا نجات را به وسیله شخصیت و کارهای پسر یگانه خود یعنی عیسی مسیح آماده کرد. عیسی مسیح جسم انسانی به خود گرفت، بجای ما جان داد، از مرگ برخاست، به سوی خدای پدر صعود کرد، بر دست راست خدا نشست، و در حضور او از ایمانداران شفاعت می نماید. عیسی مسیح برای تکمیل کار نجات، دوباره مراجعت خواهد کرد.

این کار پسر یگانه خدا برای این است که ما را از احساس گناه، مجازات گناه، قدرت گناه و هم چنین از خود گناه آزاد سازد. طبیعت هم در نقشه نجات خدا سهیم است چون طبیعت به علت گناه انسان دچار لعنت شده است.

نجات، بطور کلی برای تمام جهان مهیا شده است اما، یگانه شرط لازم برای نجات عبارت است از ایمان به عیسی مسیح، چون نجات، بخشش خدا است و روح القدس اجرا کننده آن است.

روح القدس با استفاده از کلام خدا انسان را متقاعد و مسیح را به او آشکار می سازد و در نهایت به او تولد تازه می بخشد. روح القدس، همچنین کار تقدیس را در زندگی ایماندار ادامه می دهد. کار نجات بخش خدا، فقط زمانی کامل میشود که ایماندار به وسیله روح القدس حیات جدید بیابد و در قدوسیت و پاکی به مسیح سپرده شود.

با این گفته به مطالعه بخش سوم تحت عنوان روش های خدا برای نجات انسان میپردازیم.

بخش سوم - روش های خدا برای نجات انسان

هر چند خدا برای نجات انسان فقط یک طرح دارد، ولی آنرا در یک دوره طولانی با روشهای مختلف به انجام می رساند. دوره ای که برای آماده ساختن انسان جهت دریافت نجات لازم می باشد.

در غلاطیان ۴:۴ چنین می خوانیم:

غلاطیان ۴:۴ لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده و زیر شریعت متولد شد،

این دوره آمادگی دارای سه هدف بود:

(۱) نشان دادن ماهیت گناه به انسان و عمق فساد که او را در بر گرفته است

(۲) نشان دادن عدم توانایی انسان در مورد شناختن خدا به وسیله فلسفه

(۳) و فهماندن این موضوع به انسان که بخشش و مصالحه با خدا فقط از طریق قربانی مسیح امکان پذیر است

در این قسمت میخوام به روش خدا در دوره عهدعتیق برای نجات انسان اشاراتی داشته باشم به همین منظور بطور خلاصه نگاهی به سرگذشت ورود گناه به زندگی انسان در گذر تاریخ و عکس العمل انسان در برابر آن خواهیم داشت.

الف - روش خدا در دوره عهد عتیق

خدا والدین اولیه ما، یعنی آدم و حوا را در باغ عدن قرار داد که مناسب ترین و کامل ترین محیط بود. آنها را بدون ذات نفسانی خلق و همه چیز را برای شادمانی و قدوسیت آنها آماده کرد. آزمایش ساده ای برای آنها تعیین فرمود و

نتایج عدم اطاعت را هم برایشان تشریح کرد. خدا با آنها مصاحبت صمیمانه ای داشت. ولی شیطان به صورت مار ظاهر شد و حوا حرف او را قبول کرد و میوه ممنوعه را خورد و به شوهر خود هم داد که بخورد. در نتیجه در حضور خدا گناهکار شدند. ذات آنها فاسد شد، از لحاظ روحانی مردند و نتایج گناه را به نسل های بعدی انتقال دادند. آنها نتوانستند شناخت واقعی خدا را حفظ کنند بلکه در خیالات خود باطل شده، و دل بی فهم ایشان تاریک گشت. خدا آنها را از باغ عدن بیرون کرد و مار و زمین را لعنت فرمود. اکنون وجدان فعال گردید و انسان فرصت داشت بفهمد که قانون الهی که در قلب انسان ثبت شده بود می توانست او را به سوی خدا راهنمایی کند. ولی قائل مرتکب قتل شد و هر چند مدتی از طریق شیث خداپرستی به وجود آمد ولی آن هم ناپدید شد و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیال های دل او دائماً محض شرارت است. هیچ کس در جستجوی خدا نبود. صدای وجدان برای راهنمایی انسان به سوی خدا و نجات کافی نبود. خدا مجبور شد دنیا را مجازات کند. فقط نوح و خانواده اش نجات یافتند و بقیه مردم بر اثر طوفان، که نشانه غضب الهی برای گناه بود از بین رفتند.

بعد از طوفان خدا به نوح اطلاعاتی در مورد حکومت انسانی داد. بعنوان مثال، لازم بود هر قاتلی کشته شود که این این جزو وظائف دولت شد. همچنین لازم بود انسان از طرف خدا حکومت کند و قوانین عادلانه و مقدس خدا را اجرا نماید. ولی مردم اتحادیه ای درست کردند و برای بت پرستی، مبادرت به ساختن برج بابل نمودند تا حاکمیت خدا را نفی و خود حاکم گردند. بهمین دلیل خدا نزول فرمود تا این مردم نامطیع را مجازات کند و با تغییر دادن زبان، آنها را را بر روی زمین متفرق و اقوام مختلف به وجود آورد.

خدا ابراهیم را دعوت کرد تا محل سکونت خود را ترک کند و با پیروی از او به سرزمین جدیدی برود. ابراهیم خدا را اطاعت کرد و خدا با او عهد بست و وعده فرمود که فرزندان زیادی به او بدهد و سرزمینی را که در آن غریب بود به نسل او عطا فرماید و او را باعث برکت تمام ملت ها سازد. این وعده برای اسحق و یعقوب هم تکرار شد. یعقوب و خانواده اش به مصر رفتند. در آنجا مورد جفای مصریان قرار گرفتند و با قدرت الهی از اسارت مصریان نجات یافتند.

در کوه سینا خدا عهد اعمال را پیشنهاد کرد و مردم آن را پذیرفتند. آنها قول دادند که آنچه خدا امر فرموده است خواهیم کرد (خروج ۱۹: ۸) ولی از قرار معلوم، مردم، فساد قلب خود و شیطان را در نظر نگرفته بودند. قبل از اینکه موسی ده فرمان را که بر دو لوح سنگی نوشته شده بود نزد مردم بیاورد قوم اسرائیل بتی درست کرده و به عبادت آن مشغول شده بود. جریان قصور اسرائیل در زمان داوران و پادشاهان بر همه روشن است. در زمان داوران خدا بارها اسرائیل را به اسارت سایر اقوام در آورد و بعد از مدتی حکومت شمالی را به دست آشور تسلیم نمود و حدود ۱۳۵ سال بعد، حکومت جنوبی را هم به دست بابلی ها تسلیم کرد، ولی در وضع آنها تغییر زیادی حاصل نشد.

وقتی عیسی، که مسیح آنها بود، آمد، او را رد کردند و از حاکم رومی خواستند که او را مصلوب کند. بالاخره خدا همین رومی ها را فرستاد که معبد آنها را ویران کنند و آنها را در تمام جهان پراکنده سازند. آنها با لب های خود به شریعت احترام می گذاشتند ولی قلب شان از خدا دور بود.

خدا در عهدعتیق نشان داد که انسان با روش شریعت و قانون نمیتواند نجات بیابد ولی او را برای نجات نهایی آماده می سازد.

حال ببینیم که روش خدا در عصر حاضر برای نجات انسان چیست.

ب- روش خدا در عصر حاضر

در عصر حاضر روش خدا خیلی عوض شد. این دوره، دوره کلیساست. بعد از اجرای تمام روش های گذشته، بالاخره خود نجات دهنده، ظاهر شد. او به وسیله مرگش، گناهان ایمانداران عهد عتیق و همچنین ایمانداران عهد جدید را کفاره کرد. کلام خدا در این رابطه می فرماید:

رومیان ۳: ۲۱-۲۶ اکنون خدا راه دیگری برای نجات به ما نشان داده است. ما تابحال سعی می کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست، زیرا کتاب آسمانی ما از زمانهای گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و او را کاملاً "بی گناه" بحساب آورد. همه انسانها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابقشان، می توانند از همین راه، یعنی "ایمان به عیسی مسیح" نجات یابند. زیرا همه گناه کرده اند و هیچکس به آن کمال مطلوب و پر جلالی که خدا انتظار دارد، نرسیده است. اما اکنون اگر به عیسی مسیح ایمان آوریم، خدا ما را کاملاً "بی گناه" به حساب می آورد، چون عیسی مسیح به لطف خود بطور رایگان گناهان ما را برداشته است. خدا عیسی مسیح را فرستاد تا مجازات گناهان ما را متحمل شود و خشم و غضب خدا را از ما برگرداند. خدا خون مسیح و ایمان ما را وسیله ای ساخت برای نجات ما از غضب خود. به این ترتیب او عدالت خود را ظاهر نمود. اگر او کسانی را که در زمانهای گذشته گناه کرده بودند مجازات نکرد، این هم کاملاً عادلانه بود، زیرا او منتظر زمانی بود که مسیح بیاید و گناهان آنان را نیز پاک سازد. در زمان حاضر نیز خدا از همین راه گناهکاران را به حضور خود می پذیرد، زیرا عیسی مسیح گناهان ایشان را برداشته است. اما آیا این بی انصافی نیست که خدا گناهکاران را بی گناه بشمارد؟ نه، زیرا خدا این کار را بر اساس ایمانشان به عیسی مسیح انجام می دهد، یعنی ایمان به کسی که با خون خود گناهانشان را پاک کرده است. (ترجمه تفسیری)

حالا خدا، نجات، توسط مسیح را به همه عرضه می کند. قبل از این دوره، طرح نجات از بسیاری جهات قابل درک نبود، ولی الان برای همگی روشن است. تنها چیزی که از انسان خواسته می شود این است که آنچه را خدا در مسیح مهیا کرده است قبول کند.

اگر شخص این هدیه حیات را بپذیرد، از روح القدس متولد خواهد شد. روح القدس بعد از تولد تازه، کار را ادامه میدهد و ایماندار را تقدیس میکند. هر چند این طرح یا نقشه خدا بسیار ساده و روشن است، ولی تاریخ و کتاب مقدس نشان می دهند که انسان به آسانی دعوت انجیل را نمی پذیرد. حتی گفته شده است که وقتی روزهای آخر نزدیک شود، بسیاری از ایمان دور خواهند شد و بی ایمانی افزایش خواهد یافت.

در نهایت، خدا کلیسای خود را از زمین بر خواهد داشت و بقیه ساکنان زمین به مصیبت عظیمی که ظاهر خواهد شد، تسلیم خواهد نمود.

با این گفته به مطالعه روش خدا در دوره هزارساله برای نجات انسان میپردازیم.

ج- روش خدا در دوره هزارساله (البته مطابق با آموزه آخرت شناسی در بخش پیش هزارساله)

خدا وعده داده است که در دوره یا ملکوت هزارساله مسیح تغییرات بیشتری به وجود خواهد آورد و فقط نجات یافتگان جهان به این ملکوت داخل خواهند شد. مسیح یک بار آمد و می خواست پادشاه و نجات دهنده اسرائیل

شود ولی اکثریت به او توجهی نکردند. بار دیگر در جلال خواهد آمد و حکومت جهان را با قدرت در دست خواهد گرفت. به عنوان پسر داود حاکمیت جهانی بر قرار خواهد نمود. قوم خدا در مرکز این حکومت قرار خواهد داشت و تمام ملت ها برای پرستش مسیح خواهند آمد و این دوره با تغییرات جهانی همراه خواهد بود، زیرا مسیح تمام لشکرهای را شیطان را محکوم و شیطان را در بند خواهد کرد.

این حاکمیت دوره هزارساله مسیح هم نخواهد توانست عدالت را در جهان مستقر کند، چون در این دوره هزار ساله عده زیادی متولد خواهند شد که تمام آنها ایماندار واقعی نخواهند بود. در پایان دوره هزار ساله ریاکاری عده زیادی از آنجایی آشکار خواهد شد که شیطان برای مدت کوتاهی آزاد و ریاکاران را به دور خود جمع خواهد کرد. در نهایت این طغیان جدید، توسط مسیح سرکوب و شیطان به دریاچه آتش افکنده خواهد شد.

نتیجه ای که عزیزان از روشهای خدا برای نجات انسان میتونیم بگیریم اینه که فقط لطف و فیض الهی در قلب افراد می تواند زندگی انسان را کاملا عوض کند، و چون این فیض مورد پذیرش همه قرار نمیگیرد، در نتیجه همه نجات نخواهند یافت.

عنوان مطالعه آینده ما که دومین درس از مبحث نجات شناسی است، تحت عنوان شخصیت مسیح: نظرات تاریخی و وضع قبل از مجسم شدن او است، که با هم به بررسی آن خواهیم کرد.